

## گونه‌شناسی دولت و جامعه از دیدگاه گورویچ

(با تأملی در جامعه فاشیست فنی دیوانسالار)



● محمد ناصر سبحانی

تاکنون کارهای گورویچ استاد جامعه‌شناسی سوربن فرانسه، کمتر در دانشگاه‌های کشورمان به وجهی جدی و دقیق طرح شده و در محافل غیردانشگاهی نیز تقریباً ناشناخته مانده است. حال آن‌که وی هر یک از عمیق‌ترین مباحثی شناخت در علوم اجتماعی است و اهمیت نفس و آثار وی در این زمینه است کم‌همت‌تر یا «مانهایم»، «سورکین» و «هاتیمو» است. از این اندیشه‌ورز آثاری مانند «مبانی جامعه‌شناسی» و «طبقات اجتماعی» توسط باقر و طاهر و کتابخانه «مبانی جامعه‌شناسی حقیقی» «دیالکتیک یا سیر جدالی و جامعه‌شناسی» و «جبرهای اجتماعی و اختیار یا آزادی انسانی» هر سه به وسیله دکتر حسن حبیبی به فارسی برگردانده شده است. این ترجمه‌های ارزشمند می‌تواند در شماربخشی از سرمایه‌های همه رشته‌های علوم انسانی، از جمله علوم سیاسی، در کشورمان باشد ولی متأسفانه تاکنون به‌ویژه در دهه اخیر، چندان که می‌بایست مورد بهره‌برداری و ژرف‌نگری پژوهشگران و دست‌آوردان امر نبوده است. نوشته حاضر کوششی

ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

است. این کتاب در واقع تلاشی است نظریه‌های گورویچ به دو دلیل صورت بحث فاشیستی دیوانسالار سهم بیشتری را در این نوشتار به خود گرفته است.

اگر این ساخت نسبت به ساخت‌های دیگر کمتر مورد تحلیل و بررسی پژوهشگران کشورمان قرار گرفته است.

به تکرارند چنین می‌پندارد که جوامع و دولت‌های بسیاری، امروزه همین صورت نوعی را دارند و یا آن‌که در استثناء ابتلا به آن هستند.

گورویچ در بخش‌های آغازین با تازک‌اندیشی و روشنگری از لحاظ فلسفه و شناخت‌شناسی و روش‌شناسی علوم انسانی، تمامی تجلیات اجبار در شناخت علوم اجتماعی در مقیاس فعالیت‌های

فردی و جمعی، و نیز جنبه‌زمان‌شناختی آن‌ها را بررسی نموده و در مقابل، امکان و شانس دخالت نیروهای موجود برای بهره‌وری از آزادی را برمی‌شمرد و نشان می‌دهد این شانس همواره بسته به صورت نوعی جامعه، کمابیش در دسترس دسته‌هایی از افراد، گروه‌ها، خلق‌ها و توده‌ها قرار دارد.

پس از شناسایی و بررسی فشرده صورت نوعی ساخت‌های کلی در جامعه کنونی که در حال مبارزه‌اند و پس از شناخت جبرهای ویژه آن‌ها می‌کوشیم یافته‌های خود را با تصویرهای ارائه شده از سوی گورویچ گام به گام منطبق نماییم. بدین طریق می‌توانیم دریابیم که در کدام نوع از انواع کنونی دولت‌ها و جوامع قرار داریم و دیگران

نیز در چه وضعی هستند.

### انواع صورت‌های جوامع کنونی

۱- جامعه ارشادی: که با سرمایه‌داری سازمان یافته و به تمام و کمال توسعه پذیر متناظر است. روشن ترین شکل این ساخت کلی در ایالات متحده آمریکا و تاحدی نیز در آلمان ماقبل و ما بعد رژیم نازی قابل مشاهده است. در این جامعه‌ها حیات سیاسی و اقتصادی به تمامی زیر سلطه بوده و دولت، ماشین عظیم دیوانی خود را، به تمام و کمال، در اختیار کار فرمایان و قدرت کارفرمای می‌نهد. سرمایه‌داری سازمان یافته هر نیرویی را تحت انقیاد می‌گیرد و این کار در کشورهایی که چاپ و نشر، مطبوعات، رادیو، تلویزیون و قسمت اعظم دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی زیر سلطهٔ منافع خصوصی‌اند، آسانتر می‌تواند به انجام رسد. (کواه این نظر آن است که در جامعه‌هایی که اخیراً سیاست تعدیل و خصوصی‌سازی اقتصادی، حتماً فقط به عنوان یک رفرم و اصلاح روبنایی محدود در آن‌ها صورت گرفته است، به موازات آن، نه تنها آزادی افراد، قومیت‌ها و توده‌ها افزایش نمی‌یابد، بلکه جلوه‌های قبلی آن نیز محدودتر و دست نیافتنی تر به نظر می‌رسد). زمان شناسی این صورت نوعی برجیر ناشی از سستی و ضعف پرولتاریا فساد و تباهی (اخلاقی) و از کف رفتن شجاعیات سازمان‌های مبارزاتی این طبقه استوار است. در این جامعه‌ها از راه مبارزهٔ سازمان یافته (طبقاتی یا حزبی) شکستن این صورت نوعی ممکن نیست، ولی راه برای ضربات و تحریکات بسی قاعده و ماجراجویی‌های سخت باز است، (همان گونه که در سال ۱۹۹۵، انفجار ساختمان ستاد یکی از فرمانداری‌های آمریکا مسایل پیچیده و دیرپایی در آن جامعه ایجاد کرده است). در عین حال این خطر در پیش است که صورت یاد شده در اثر فشار گروه‌های رقیب (در داخل و خارج) و عدم امتیث در سرمایه‌گذاری، سرانجام به فاشیسم فنی دیوانسالار بیانجامد.

۲- جامعه فاشیست فنی دیوانسالار: تجربه‌های روشن دنیا در این گونه جامعه‌ها فاصله بین دو

جنگ بین الملل از زمان حکومت «فرانکو» در اسپانیا و «پرون» در آرژانتین شکل گرفته است. در این ساخت کلی، سرمایه‌داری سازمان یافته با دولت تحکمی احاطه گر (Totaliter) کاملاً درهم می‌جوشند. این دولت را گروه‌های فنی دیوانسالار اداره می‌کنند (مانند انجمن‌های صنفی مهندسين، پزشکان، و کلاً افراد با نفوذ مذهبی، تشکیلات

● کوشش رژیم سلطه‌گر، در جامعه فاشیست فنی دیوانسالار که به منظور یگانگی صورت می‌پذیرد، تنها در سطح و رویه «ساخت اجتماعی» موفق است.

فرقه‌ای، افراد نظامی و یا ثروتمند و گروه‌های مشابه دیگر). این گروه‌ها خود زاده و ابزار شرکت‌ها و کارتل‌ها و بانک‌ها و شخصیت‌های عالی‌رتبهٔ اداری و نظامیان حرفه‌ای و کاملاً متخصص می‌باشند. (هنگامی که در جامعه‌هایی مانند عراق و کویت بیشتر شخصیت‌های با نفوذ دارای نقدینگی کلان، تصدی مقام مهم در وزارتخانه‌ها و حفظ پست‌های نظامی و غیرنظامی دیگر در انجمن‌ها، شهرداری‌ها، مطبوعات و پارلمان هستند و غالباً نسبت خویشاوندی و یا مشارکت‌های بزرگ مالی با همدیگر دارند، بیشتر به شناخت این گروه‌ها نزدیک می‌شویم).

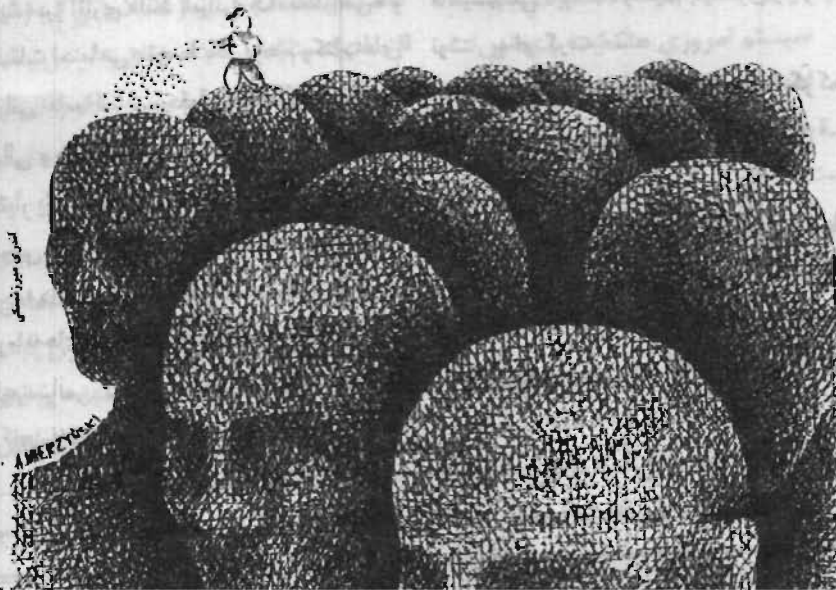
این گروه‌ها می‌کوشند که همهٔ لایه‌ها و طبقات خلق را عقید و مطیع سازند. رئیس

نیمه‌قره‌های (نیمه کاریزما، یا نیمه سلطان) این جامعه نیز، یکی از افراد بی‌قدر همین گروه‌هاست که در زمان ممکن است نقش‌های فوق‌العاده تعیین کننده یا کاملاً بی‌اهمیت و به او سپرده می‌شود.

وضع آبر پیشوایانی چون «صدام حسین» در عراق و «پینوشه» در شیلی نمونهٔ روشن این مدعاست. از همین نقطه می‌توان به تشریح وضع رژیم‌هایی چون ترکیه، برزیل، پاکستان، آرژانتین، فیلیپین و نظایر آن‌ها نیز پرداخت. برخی ویژگی‌های اختصاصی جامعه فاشیست فنی دیوانسالار عبارتند از:

الف. همبری و تألیف هیجان عرفانی (Mystic) و اشتراک و اتحاد معنوی‌ای که از دل کینه و خلسه‌ای شدید به دست می‌آید، کینه و خنسه‌ای که گردانندگان این جامعه‌ها به صورت کاملاً ساختگی در صدد برانگیختن و دامن زدن به آن هستند.

ب. در این جوامع جنگ‌هایی بر ضد گروه‌های اختصاصی که در خارج از چهارات حکومتی هستند، اعلام می‌شود. براساس دو ویژگی اخیر، می‌توان گفت که نمایندگان پارلمان، وزیران و شخصیت‌های با نفوذ چنان دستگاهی اساساً سرمایه‌داران با نفوذ، جاسوسان و نظامیان عالی رتبه و تحمیل‌کردگان وابسته به فرقه‌های مذهبی، ملی و عرفانی هستند، که آیندهٔ جهان را از آن آرمان‌های فرقه خود می‌دانند. در حکومت‌هایی مانند اسرائیل و مصر اسطوره‌های رهبری جهان بود، نیای عرب، و برخی نقاط دیگر - که معمولاً همراه با خشونت در داخل و کشور و ترور در خارج از



آن است - به شدت تبلیغ می شود

ج) واپس رفتن کامل حقوق و اخلاق: در این جوامع میزان طلاق، خودکشی، اعتیاد و فساداتاری و مالی به صورت منظم و مستمر افزایش می یابد. در برخی کشورها مانند کشورهای عربی به دلیل عرف جامعه ممکن است افزایش فساد آشکار تنها در خارج از کشور مربوطه کاملاً دیده شود.

د) وجود مجموعه ای از قواعد و مقررات اخلاقی که به نفع یک اسطوره مصنوعی هنری وضع و تبلیغ می شود. این اسطوره مصنوعی معمولاً به شکل نمایش های نظامی و یا ورزشی تجلی می کند مانند ادعای تجهیز دانش آموزان دبیرستان های لیبی به دانش و یا ابزار موشکی در دهه ۱۹۸۰ و یا اسطوره سازی از ورزش هایی مانند فوتبال در برخی از کشورها و یا اهمیت تبلیغاتی بیش از حد دادن به چند رشته ورزشی که در آن مدال های قهرمانی به دست آمده است، این در حالی است که بیشتر جوامع یاد شده، در المپیک، مقامی بالاتر از مرتبه چهارم جهان به دست نمی آورند.

این کشور امروزه به بخشی از توان نظامی نحیف خود، مانند نیروی هوایی، بخش موشکی و یا سلاح های هسته ای نیز، بیش از اندازه مباحث می ورزند.

ه) اسطوره دیگر تطبیح و تربیت است که عملاً به صورت تأدیب و پالش و پرورش، فهم و اعمال می گردد. برای نمونه در عراق غالباً به خاندانی که فرزندش در منطقه شهری و یا روستایی قتلش می نمود ممتاز شناخته شده است یک ترمیم خارجی

**● در برخی کشورها مانند کشورهای عربی به دلیل عرف جامعه ممکن است افزایش فساد آشکار تنها در خارج از کشور مربوطه کاملاً دیده شود.**

تعلق می گیرد (نخبه پروری نامنظم و مقصدی) در این جوامع مسایل تربیتی جوانان، مسایق تربیتی و دانشگاهی، اردوهای هنگام تعطیلات جوانان و نیز رفتار جنسی و یا زن و شوهری زوج ها به شدت تبلیغ می شود و حجم زیادی از محتوای رسانه ها را به خود اختصاص می دهد.

زمان این ساخت، زمانی دوری و عصر در جا زدن است که مدیران قانیست آن را به عنوان زمان انجذاری و خلق تلقی می کنند که با زمان فریبنده فریبگر و زمان خردان های بی قاعده برای احراز مقام اول در سینه گیری و کشمکش است.

این دوره زمان تصویر پستی جویی نسبت به خویش است. خلاصه و تبلیغ شوامد یقینی توسعه ای فراگیر در آینده که تنها به صورت توهم و اسطوره و اعلام هدایتی روما و اطرافیان ایشان تصور می شود ادعای سیادت نظامی و سیاسی رژیم عراق هنگام اشغال کویت، بر علیه نیروهای چند ملیتی، ادعای غیر مستقیم کشورهای چون عربستان که خود را جزو قطب های سیاست، اقتصاد و نفوذ شرق جهان می پندارند حال آن که هنوز از لحاظ توسعه فراگیر در قسمت های منطقه ای سازمان های بین المللی، حتی در رده پنجاهم کشورهای جهان نیز جای نمی گیرند.

در این جوامع تصور بر آن است که بر زمان ها تسلط یافته اند حال آن که زمان ها را بر دوش می کشند. فرمول جبر جامعه شناختی حاکم بر این جامعه تکیه بر جبر طبقات تحکمی اطرافه گر است که با جبرگ های فنی دیستالار و جهاز بانگ ها و تراست ها یکی است. نقش تراست های بین المللی و نیز مؤسسات پولی مانند صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در ادامه سلطه این دولت ها و جبرگ های فنی بر اطرافه و نظایر آن بسیار آشکار و عمدتاً از گذشته است.

تاکید بر جبر طبقات تحکمی قانیست فنی دیستالار که به سطر یگانگی فوق صورت می پذیرد تنها در سطح و رویه «ساخت اجتماعی» می خورد است زیرا طبقات فقیر و توده ها که تحت نظر ستیک های اجباری و حزب واحد هستند - به سبزه خویش در متن پدیدار اجتماعی نام ادامه می دهند، پدیداری که در آن خلق ها غلبه دارند.

دیگر ویژگی جبرشناسانه این سطح جوامع این است که از سوی هر یک از گروه های مختلف فنی دیستالار، به ویژه برنامه گزران اقتصادی از طرفی و رسمی نظامی از سوی دیگر، جبر های ویژه خود را غم می کنند که قاعدتاً با کلیشه های و عناوینی نظیر مصالح و امنیت ملی و نظیر آن آشکار می شود.

در این جا تعارض میان ساخت و پدیدار اجتماعی تمام آن چنان سریع و روشن است که رژیم قانیستی را در معرض خطر دائم گسستگی و درهم پاشیدگی و خشونت قرار می دهد و این رژیم تنها در صورتی موفق به تعویق این درهم پاشیدگی می شود که همواره قهر و خشونت خود را تقویت

**● گورویج در بخش های آغازین با نازک اندیشی از لحاظ فلسفه و روش شناسی علوم انسانی، تمامی تجلیات اجبار در شناخت علوم اجتماعی در مقیاس فعالیت های فردی و جمعی، و نیز جنبه زمان شناختی آن ها را بررسی نمود.**

نماید. خلاصه آن که نمی توان برای تعارض کلان گریز گاهی یافت و از این دایره باطل به سلامت به در رفت. وضع حکومت هایی چون ترکیه، افغانستان و شیلی که در میدان و معرکه هراس از سقوط، خطر قیام مردمی و کودتا بیش از یک دهه دوام آورده اند با توصیف یاد شده بسیار منطبق است.

۳- جامعه برنامه ای که بر پایه اصول دولتگرایی جمعی تمرکزگرا (کلکتیویست) و جبر آن استوار است. به عنوان مثال اتحاد جماهیر شوروی از ۱۹۱۷ به بعد و چین از ۱۹۴۹ به بعد. در این صورت نوعی بنگاه های اقتصادی سرمایه ای حذف شده، طبقه بورژوا طرد می شود و حزب کمونیست مجری دیکتاتوری است. همچنین معرفت سیاسی مقام اول را دارد. پس از آن، معرفت فنی و عملی و آن گاه تعلیم و تربیت انسانگرا و اخلاق تصویرهای رمزآسای آرمانی و خلق و آفرینش و هنر و بالاخره حقوق. جبر طبقاتی که مجدداً در حال تشکیل و قوام می باشند. (مانند تکنوکرات ها و صاحبان سرمایه) و جبر خلق هایی که سرکش و نافرمانند (مانند اقلیت های دینی و قومیت ها) و جبر نقش های اجتماعی گروه هایی که در کنار گود مانده اند و نیز جبر تکنیک ها و فنون کاملاً پیشرفته ای که همواره توفیق تطابق با برنامه را نمی یابند، وجود دارد و مدیران و رهبران حزب و دولت و سازمان های برنامه گذاری را که با اختراع

انتخاب، تصمیم و خلاقیت مشغولند، تهدید می‌کند. تنها پس از چند دهه، سرنوشت دولتمردان کمونیست با تصویر رسم شده توسط گورویچ، کاملاً منطبق شد.

۴- جامعه‌ای که بر اصول کلکتیویسم تعددگرایی نامتمرکز بنیاد گرفته و برنامه‌گذاری شده است:

این صورت نوعی هنوز کاملاً مورد تجربه قرار نگرفته است. (در زمان تألیف کتاب، ۱۹۶۳) در برخی دموکراسی‌های توده‌ای مانند یوگوسلاوی (و سپس سوئد و بلژیک) دیده می‌شود. اساس این ساخت جست‌وجوی تعادل میان دموکراسی اقتصادی و مردم‌سالاری سیاسی است، مالکیت وسایل تولید در آن واحد به تمامی شوراهای تعلق دارد و به کلیه صاحبان منافع اعم از کارگران و مصرف‌کنندگانی که در این شوراها به صورت گروه و یا به صورت فردی شرکت دارند (مثلاً در سوئد تفاوت طبقات درآمدی از بیشتر جامعه‌های شناخته شده بشری کمتر است). دولت نیز غیرمتمرکز است.

در این ساخت، امت‌ها (پیروان احزاب و ادیان) و فرقه‌های فعال (مانند پیروان نهضت سبز) تسلط دارند و ایده‌ها و ارزش‌های خلاق و نقش‌های اجتماعی نوآورانه و پیش‌بینی نشده و سازمان‌های باز و متبوع فدراتیو نیز پرمایه می‌شوند. تقسیم کار اجتماعی تقویت می‌شود و در میان سلسله مراتب قواعد و مقررات اجتماعی و معرفت غیرسیاسی و اشکال صور مختلف حقوق، مقام اول را دارند. اخلاق خصوصاً اخلاق خلاقیت و فضیلت و اخلاق حملی امری (مانند حفظ محیط زیست و یا طرفداری از صلح) در مرحله ثانوی است و تعلیم و تربیت و هنر نیز دیوار به دیوار آن‌هاست. برای نمونه شورش‌های صنعتی و سیاسی دانش‌آموزان و دانشجویان، با اهمیت و تأثیرگذارند و غالباً با شیوه‌های بسیار منطقی در جوامعی مانند انگلیس و فرانسه، صورت می‌پذیرد.

در این جامعه احتمالاً آگاهی یافتن به زمان به اندازه تعدد گروه‌هایی خواهد بود که از یک نوع‌اند و در موقعیت متساوی قرار دارند. در خصوص تسلط

بر زینت زمان، این تسلط فقط با موافقت سازمان‌های عمده تحقق می‌پذیرد. (مانند سازمان‌های گسترش تحقیقات صنعتی و علمی) و البته این توافق کارآسانی نخواهد بود در این جا

طرح‌هایی که آزادانه تدوین می‌گردند و مورد موافقت قرار می‌گیرند و در یک مجموعه ادغام می‌شوند، بر کلیه جبرهای دیگر چیرهند و سکان‌های فرماندهی را به اختیار آزادی انسانی

فردی و جمعی و کلیه درجات و مراتب پرمایه و مؤثر آن‌ها می‌گذرانند. توضیح و نتیجه‌گیری: امروزه به نظر می‌آید که باید تفسیر جدال‌های جدید حقوقی بین‌الملل (مانند مسأله تقسیم آب‌های جاری و...)، کشاکش تمدن‌ها (مانند تمدن مسیحیت و آئین بودا) و کشاکش اقتصادی، فرهنگی شمال - جنوب

جهان، تشکیل اتحادیه‌های جدید دولت‌های مهم اروپایی و دولت‌های حاصل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را به این‌گونه صورت‌بندی‌های گورویچ و دیگران افزود. زیرا، ممکن است در آینده‌های نزدیک انواع جوامع متفاوت با ساخت‌های کنونی پدید آید. اما شناخت و تصویر دقیق علمی‌ای که گورویچ به دست داده و در این مقاله فشرده‌ای از آن یادآوری و تشریح شد، بی‌گمان اصول عام، ماهیت، ویژگی‌های عمومی و موقعیت بسیاری از جوامع جهان را ترسیم می‌کند. به همین دلیل برای تحقیق و تعمق، بسیار معتبر و با دوام است؛ به شرطی که از سوی پژوهندگان مورد تفکیک بیشتر و یا درهم‌آمیزی متناسب با موفقیت فعلی علوم انسانی و اجتماعی قرار گیرد. این روش کار با مکتب «دیالکتیک نوین تجربه‌گرای»

گورویچ کاملاً سازگار است. افزون بر آن چه مختصراً از صورت‌بندی چهارگانه جوامع کنونی از دیدگاه گورویچ عنوان شد، صورت‌های بینابین و در حال انتقالی وجود داشته و خواهد داشت. برای نمونه انگلستان و فرانسه ممکن است هم اکنون حد فاصل بین نوع اول و چهارم باشند و در آینده جایگاه‌های دیگری بیابند؛ حال آن‌که هندوستان کنونی هم به آمیخته‌ای از صورت نوعی دوم و چهارم بسیار شبیه است.

در فرجام باید از خوانندگان این نوشتار و نیز مترجمان اندیشه‌گر آثار گورویچ پرسیده شود که

وضع دولت و جامعه ما، هم‌اکنون، و بنا به گرایش‌های حرکتی آینده و سوابق گذشته، در کدام صورت نوعی چهارگانه و یا صورت‌های انتقالی و آمیخته آن‌ها بهتر قابل طبقه‌بندی است؟  
پی‌نوشت:

۱- دو کتاب نخست در موسسه کتاب‌های جیبی (امیرکبیر) و سه کتاب دیگر در توسط انتشارات خوارزمی، انتشار یافته‌اند.

در ضمن مقاله‌هایی از گورویچ به وسیله دکتر علیمحمد کارلان در کتاب «روان‌شناسی جمعی و اجتماعی» چاپ دانشگاه تهران، و مصطفی رحیمی در «درآمدی به جامعه‌شناسی حقوقی» چاپ موسسه کتاب‌های جیبی به فارسی برگردانده شده است.

۲- به همین دلیل در این مقاله از به کارگیری سایر تالیف‌ها و ترجمه‌های وزین علوم انسانی و اجتماعی خودداری شده است. ■

**مؤسسه فرهنگی**  
**انتشارات آلسا منتشر**  
**می‌کند:**  
**کلمه‌ها و ترکیب‌های کهنه**  
(مجموعه داستان)  
**محمد شهسوار**  
**زیر کتبد شیر گویا**  
(مجموعه داستان)  
**علی یزدانی**  
**خون آبی بر زمین نمناک**  
(در نقد و معرفی بهرام صادقی)  
**به کوشش حسن محمودی**  
**افسانه شهر آفتاب**  
(داستان بلند)  
**حسین حضرتی**  
**آدرس: تهران پارس - خیابان ۱۷۲**  
**شرقی - شماره ۷۴**  
**تلفن: ۷۸۷۷۱۴ - ۷۸۷۳۱۴**